



بررسی مؤلفه‌های هویت و مکان در بافت‌های تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه، با هدف دستیابی به اصول طراحی بافت‌های جدید شهری نمونه موردی: محله ساغری‌سازان رشت

ریحانه سادات علی‌دوست^۱، امیررضا کریمی‌آذری^۲ و رضا پرویزی^۳

تاریخ دریافت: 04/04/1397

تاریخ پذیرش: 10/10/1397

چکیده: بافت‌های جدید با توجه به هویت‌مندی بافت‌های تاریخی طراحی نمی‌شوند و این مسأله، اهمیت توجه به ارتقای هویت در بافت‌های جدید را آشکار می‌سازد، چرا که کمبود یا نبود این کیفیت، موجب عدم ارتباط انسان با محیط و شکل‌گیری محیطی فاقد معنا و خوانایی می‌شود. نوشتار حاضر بعد از استخراج مؤلفه‌های هویت مکان از منابع معتبر و مشاهده میدانی، به دنبال اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها در هویت‌مندی ساغری‌سازان به عنوان بافت قدیمی در شهر رشت است تا از این طریق بتوان گامی جهت هویت‌مندشدن فضاهای جدید برداشت. همچنین با توجه به اینکه هویت مکان از یک بعد عینی و یک بعد ذهنی تشکیل می‌شود، نگارنده بر آن شد تا با توجه به مطالعات قبلی، میزان تأثیرگذاری بیشتر هر یک از مؤلفه‌های ذهنی یا عینی را در هویت‌مندی این بافت تاریخی مشخص کند. روش پژوهش، تحلیلی-تفسیری است و از طریق پیمایش میدانی در یک نمونه موردی صورت گرفته. در گام نخست، مؤلفه‌های هویت مکان از منابع معتبر استخراج گردیده و با استفاده از پرسش‌نامه نظرات مردم برداشت شده است. سپس داده‌های پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار SPSS وارد گردیده که براساس تکنیک تحلیل عامل اکتشافی، متغیرها در یازده عامل تبیین‌کننده هویت مکان دسته‌بندی شده است. پس از آن، با توجه به اولویت‌بندی مؤلفه‌های هویت مکان که از تکنیک تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی حاصل شد، راه‌کارهایی معمارانه برای افزایش هویت مکان در فضاهای جدید ارائه گردید. همچنین برخلاف مطالعات قبلی، مشخص شد که در هویت‌مندی بافت مورد مطالعه، معیارهای عینی نسبت به معیارهای ذهنی تأثیر بیشتری داشته است. در نهایت نیز مدل مفهومی از مؤلفه‌های به‌دست آمده از تحقیق ارائه شد.

واژگان کلیدی: هویت، هویت مکان، بافت تاریخی، پدیدارشناسی.

- 1 کارشناسی‌ارشد، معماری، موسسه آموزش عالی دیلمان، گیلان، رشت، ایران.
- 2 استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (نویسنده مسئول): amirreza_karimiazari@guilan.ac.ir
- 3 استادیار، عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی دیلمان، گیلان، رشت، ایران.

1- مقدمه

با نگاهی به بافت‌های تاریخی، این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آن‌ها بر پایه اصول خاص مرتبط با اقلیم شهر و فرهنگ ایرانی بوده و کالبد آنها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی به صورتی هماهنگ و منسجم درآمده است. ساکنان این بافت‌ها، هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می‌نموده‌اند (Changizi, 2013:53). در واقع می‌توان گفت، هویت محیطی بر هویت فردی و اجتماعی ساکنان این بافت‌ها مؤثر بوده است. این در حالی است که در محلات جدید هیچ نشانی از هویت اصیل وجود ندارد و این مسأله باعث عدم تعلق خاطر از طرف ساکنان نسبت به آنجا می‌شود که نشان از ارتباط برقرار نکردن انسان با مکان زندگی‌اش است. هویت را می‌توان به معنایی که انسان‌ها از طریق احساسات ذهنی، از وجود هر روزه خود و ارتباطات گسترده اجتماعی کسب می‌کنند، تعریف کرد. این وجود و ارتباط، نیازمند مکانی برای شکل‌گیری است (Pour jafar et al, 2012: 79). معنای مکان، خصوصیت شکل‌دهنده به آن و نحوه ارتباط هویت و مکان از مفاهیمی هستند که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند (Mahmoudi nezhad, 2010: 82)؛ در مقالات مختلف مؤلفه‌های هویت مکان با رویکرد پدیدارشناسانه که در هویت‌مندی نمونه موردی مورد نظرشان مؤثر بوده، مشخص شده است. این مقاله علاوه بر مشخص کردن مؤلفه‌های هویت مکان که از منابع مطالعه شده به دست آمده، در پی اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها در هویت‌مندی ساغری‌سازان به عنوان بافت قدیمی در شهر رشت است، تا از این طریق بتوان گامی برای هویت‌مند شدن فضاهای جدید برداشت.

هویت از یک بعد عینی و یک بعد ذهنی تشکیل شده است که در ادبیات موضوع به توضیح این مطلب از دیدگاه رلف و دیگر نظریه‌پردازان پرداخته شده، حال گام اولیه در جهت رسیدن به هدف تحقیق این است که با شناخت ماهیت هویت و مکان، با بهره‌گیری از رویکردی پدیدارشناسانه، میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های معنایی (ذهنی) یا اجتماعی و شکلی (عینی) بر هویت‌بخشی

ساغری‌سازان به عنوان یکی از بافت‌های تاریخی شهر رشت بررسی شود و در نهایت با توجه به اولویت‌بندی مؤلفه‌های هویت مکان که از تکنیک تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی، به وسیله نرم‌افزار SPSS به دست می‌آید، راهکارهایی معمارانه برای افزایش هویت مکان یا ارتباط انسان و مکان در فضاهای جدید ارائه شود. همچنین بر اساس دیدگاه امین‌زاده (2010)، در این نوشتار، مشخص شد که در فضاهایی با کاربری مذهبی مؤلفه‌های ذهنی بر عینی ارجحیت دارند. از این‌رو، هدف دیگری که در این نوشتار دنبال می‌شود این است که نگارنده بر آن است تا با توجه به اینکه نشانه شهری قرارگاه رفتاری مورد مطالعه یک مکان مذهبی به نام مسجد گلدسته است، میزان تأثیرگذاری بیشتر هر یک از مؤلفه‌های ذهنی یا عینی را در هویت‌مندی این بافت تاریخی مشخص کند.

یکی از عوامل مهم در ماندگاری بناهای سنتی و بافت‌های تاریخی توجه به احراز هویت بوده است که طبق گفته Shultz Norberg (2002) در کتاب «مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی» در گذشته به آن روح مکان یا *genius loci* می‌گفتند. این روح مکان «حس مکان» را به دنبال دارد (Mahmoudi nezhad et al, 2008: 284). در این میان روش پدیدارشناسی این توان را دارد تا به ایجاد محیط‌های واجد معنا و فراخوانی «حس مکان»، «روح مکان» و «معنای مکان» بپردازد که مؤلفه‌های اساسی در هویت مکانی به شمار می‌روند (Ibid: 295). چرا که همین هویت مکانی است که معنا و خاطره مکان را در بردارد و احراز هویت است که شهر را، خاطره‌دار و معنادار و مکان‌ها را دارای حس مکان و روح مکان می‌کند (Ibid: 284). لینچ (1998) نیز معتقد است: «که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان باشد، تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد (Javadi et al, 2015: 149). با شناخت نحوه تأثیر و تأثر چنین مفاهیمی می‌توان با پدیده ازدست‌رفتن هویت در بافت‌های تاریخی و فقدان حضورپذیری در بافت‌های جدید مقابله کرد (Taban, 2011: 11). که این مهم ضرورت پرداختن به این مسأله را نمایان می‌کند.

در لغت نامه دهخدا در بیان ریشه و اصل کلمه هویت، لفظ «هو» آورده شده است. هویت، گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت است از حقیقت جزئی (Dehkhoda, 1992: 20847). هویت مرتبه ذات ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (Dehkhoda, 1955: 49). در جدول 1 می‌توان خلاصه‌ای از واژه‌شناسی هویت را مشاهده نمود. به طور کلی می‌توان گفت هویت، واژه‌ای عربی است به معنای تشخیص که کیستی فرد و جامعه را مشخص و آن را از دیگران متمایز می‌سازد و به جهت نقشی که در شناخت افراد، اشیا، اجتماعات و مکان‌ها دارد، حائز اهمیت فراوانی است (Changizi, 2013: 54). به عبارت دیگر هویت تأکید به همانندی با خود و تمایز و تشخیص با غیر خود دارد.

جدول 1- واژه‌شناسی هویت

Tab. 1-Terminology of identity

منبع	معنا و مفهوم "هویت"	
Nasr, 2013: 270	چیستی و کیستی، همانستی و هویت فردی	فرهنگ علوم انسانی
Nasr, 2013: 270	ذات مطلق	فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی
Nasr, 2013: 270	ماهیت مشخص متعین جزئی که در خارج موجود است	فرهنگ اصطلاحات منطقی
Ghotbi, 2008: 78-79; Atashin bar, 2009: 47	اشاره به ذات و تشخیص و این همانی موجودات و از منظر فلسفه اشاراتی است از وحدت در کثرت	فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی
Moein, 1999: 522; Moein, 2005: 1014	حقیقت جزئی، متمایز کننده افراد از یکدیگر	فرهنگ معین
Amid, 1984	حقیقت شی یا شخص+ صفات جوهری	فرهنگ عمید
Dehkhoda, 1955: 49	حقیقت جزئی، مرتبه ذات ناب، مرتبه احدیت و لاهوت	لغت نامه دهخدا
Oxford, 770: 2007	کسی یا چیزی بودن، همان موجود بودن، همانی مطلق	لغت نامه آکسفورد
Aryanpoor, 1996: 1035; Taban, 2011: 12	این همانی، شخصیت، تشخیص و خود واقعی	فرهنگ آریانپور

فرضیه اصلی تحقیق حاضر را می‌توان به این شکل بیان کرد که باتوجه به مطالعات قبلی به نظر می‌رسد، مؤلفه‌های ذهنی و معنایی بیشتر از مؤلفه‌های عینی و شکلی در هویت‌بخشی به بافت قدیمی رشت مؤثر بوده‌اند، ریزفرضیات نیز به این شکل قابل ذکر هستند که از بین مؤلفه‌های ذهنی هویت مکان، پیشینه تاریخی به همراه سیمای شهری و تصویر ذهنی بیشترین تأثیر را در هویت‌مندی بافت‌های قدیمی ساغری‌سازان دارند و از بین مؤلفه‌های عینی نشانه و ابعاد جمعی تأثیرگذارتر از بقیه متغیرهای مورد بررسی هستند. این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است:

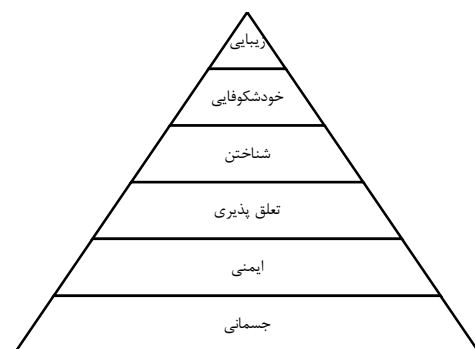
کدام یک از مؤلفه‌های هویت مکان در هویت‌مندی بافت‌های تاریخی در شهر رشت تأثیر بیشتری داشته است؟ کدام یک از مؤلفه‌های معنایی در هویت‌مندی این بافت‌ها مؤثرتر بوده است؟ کدام یک از مؤلفه‌های عینی تأثیر بیشتری در هویت‌مندی ساغری‌سازان دارد؟ برای این - منظور محله ساغری‌سازان به عنوان یکی از بافت‌های قدیمی و سنتی شهر رشت مورد بررسی قرار گرفته است.

1-1- هویت

هویت یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های معرفت و نیاز بشری است. اصطلاح هویت، مفهومی انتزاعی است که درعین سادگی از پیچیدگی‌ها و حوزه‌های معنایی بسیاری برخوردار است. هنگامی که از هویت سخن به میان می‌آید، بسته به آن که از چه دریچه‌ای و در حوزه چه علمی به آن نگریسته شود، تعاریف گوناگونی به دست خواهد آمد (Kamyar, 2014: 140). (Javadi et al, 2015: 92). در فرهنگ علوم انسانی: هویت، چیستی، کیستی؛ همانی، همانستی؛ هویت فردی، فردیت معنا شده است. اقبال لاهوری در این باره می‌گوید: هویت گوهری است که من با آن منم و زنده‌ام (Nasr, 2013: 270). در فرهنگ معین: هویت عبارت است از حقیقت جزئی، یعنی هرگاه ماهیت با شخص لحاظ و اعتبار شود و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است (Moein, 1999: 5228). و همچنین آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه را که باعث تمایز یک فرد در فرهنگ از دیگری باشد (Moein, 2005: 1014).

1-2-رابطه هویت و انسان / هویت و محیط

شناخت نیازهای انسانی در طراحی بر مبنای ایجاد رابطه مناسب با زندگی مردم و محیط اطراف و طرح‌های از این دست که مبنای روان‌شناسانه دارند و به طور ویژه به مباحث کیفی فضا مربوط می‌شوند، اهمیت قابل توجهی دارد (Javadi et al, 2015: 142). امروزه مدل‌های مختلفی از نیازهای انسانی در قلمرو علوم مرتبط با معماری ارائه شده است (Matlabi, 2006). از میان این مدل‌ها، مدل هرم نیازهای انسانی ارائه شده از سوی مازلو¹، توسط تعدادی از طراحان محیطی در توسعه مبنای نظری طراحی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است (Matlabi, 2006). مازلو اعتقاد دارد انسان در تعامل با محیط و با تغییر در قابلیت‌های آن به دنبال ارضا این نیازها در سطوح مختلف است (JavanForoozande, 2011: 31). نیازهای ذکر شده از سوی آبراهام مازلو، سلسله مراتبی را تشکیل می‌دهند که از نیازهای متعالی تا نیازهای اولیه در شش رده قرار گرفته‌اند (Javadi et al, 2015: 142) (شکل 1). جدول شماره 2 برگردان نیازهای انسان به کیفیت‌های فضایی است، چنانچه که فضای ساخته شده، دارای کیفیت‌های مذکور باشد، می‌تواند ارتباط طولانی مدت با کاربرانش برقرار کند (Ahmadi, 2010: 51).



شکل 1-هرم نیازهای انسان بر اساس مدل مازلو،

(ماخذ: Maslow, 1943).

Fig. 1-Pyramid of human needs based on Maslow model

الکساندر هویت را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام در بناها می‌داند، کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت هستند، اما نمی‌توان نامی بر آنها گذاشت، چنین عنوان می‌دارد که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود (Alexander, 2006: 65). لینچ معتقد است برای این که محیط را بتوان درک کرد محیط باید خوانا و آشنا باشد (Lynch, 1996: 12). به عبارت دیگر خوانایی «یعنی انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی» (Lynch, 1998: 152; Javadi et al, 2015: 144).

جدول 2-برگردان نیازهای انسان به کیفیت‌های

طراحی.

(ماخذ: Golkar, 2001)

Tab. 2-Transforming human needs into design qualities.

کیفیت‌های طراحی مربوطه	نیازهای انسانی
تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیمی خرد)، استحکام، تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی	نیازهای فیزیولوژیک
ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، محرمت، نفوذپذیری و انعطاف پذیری	نیازهای ایمنی
هویت، حس مکان، تسهیلات اجتماعی، خوانایی، تناسب بصری	نیاز به تعلق داشتن
حس تعلق به فضا، فردیت و تعلق داشتن به گروه	نیاز به قدر و احترام
فرصت‌هایی برای شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی، تنوع	نیاز به خودشکوفایی
نما، منظر و غنا	نیاز به زیبایی

را پاپورت در تعریفی جامع از محیط آن را حاصل برقراری ارتباط معنادار بین اشیاء و اشیاء و انسان و انسان و انسان می‌داند، این ارتباطات منظم و دارای

الگو و ساختار هستند» (Rappaport, 2005: 34). پارکینسون نیز به عنوان طراح شهری می‌گوید: «محیط ساخته شده چیزی بیش از ساختمان‌ها را در برمی‌گیرد. این امر نتیجه تعامل پیچیده میان مردم و مکان است» (Parkinson, 2001: 77)؛ گیفورد روان‌شناسی محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی تعریف می‌کند و معتقد است فرد محیط را دگرگون می‌کند و هم‌زمان،



روان شناسی نیز دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده که در جدول 4 بیان شده است.

از میان نظریات موجود در زمینه شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی دیدگاه اندیشمندانی چون آدلر، هورنای، مورفی قابل قبول تر است. بر طبق دیدگاه این دسته از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در شکل‌گیری هویت فرد، علاوه بر ویژگی‌های فردی انسان ویژگی‌های اجتماع و محیط زندگی او نیز دخیل هستند (Changizi, 2013: 54).

1-3- رویکرد پدیدارشناسی

در بیانی ساده می‌توان گفت پدیدارشناسی مطالعه‌ای تفسیری از تجربیات انسان است (Pourjafar, 2012: 81) و به مکان زیستی اهمیت می‌دهد که زندگی هرروزه در آن شکل می‌گیرد (Sharifi, 2013: 5). نقطه تمرکز پدیدارشناسی، مفهوم جدایی‌ناپذیری انسان و جهان (چگونگی وجود انسان در ارتباط با جهان) است (Taban, 2011: 14). روش پدیدارشناسی همان‌طور که از نامش پیداست «پدیده» را مد نظر دارد (Mansoori, 2015: 169). پدیده اشاره به چیز یا تجاربی دارد که بر انسان ظاهر شده و قادر به تجربه آن باشد (Seamon, 2011: 14; 1979: 158). پدیدارشناسی، رویکردی برای تدقیق در احوال مردم و دنیای آنهاست و به همین دلیل برای اشیاء، موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل است (Mansoori, 2015: 170). به بیان دیگر پدیدارشناسی راهکاری است که به معمار یاری می‌رساند، تا بتواند اثر خود را هرچه بیشتر در حیطه ادراک مخاطبین بگذارد (Kakoei, 2014: 1). برای محققین پدیدارشناس حوزه علوم رفتاری-محیطی، زیست‌جهان (Life World) و مکان (Place) از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، زیرا هر دو آنها به طور همزمان انسان و جهان را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند و وجوه فضایی، کالبدی (فیزیکی) و محیطی وقایع و زندگی انسان را بیان می‌کنند (Taban, 2011: 18).

1-4- فضا و مکان در رویکرد پدیدارشناسانه

فضا بازتابی از آگاهی‌های انسان از جهان، تجربیات او از زندگی و وابستگی‌های ارادی او با محیط خود است

رفتار و تجارب وی به وسیله محیط دگرگون می‌شود

جدول 4-نگرش‌ها در شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی در ارتباط با محیط خارج.

(ماخذ: Pourjafar et al, 2012)

Tab. 4-Attitudes in shaping personality and identity in relation to the outside environment.

دیدگاه‌ها	نوع نگرش	نظریه پردازان
هویت محصول جنبه‌های درونی - غریزی	رفتار انسان تأثیرگذار بر محیط	فروید، یونگ و ماری
هویت محصول محیط مادی و اجتماعی	محیط تأثیرگذار بر رفتار انسان	اریک فروم، سولیوان
تعادل میان محیط درون و بیرون	توازن انسان و محیط	آدلر، هونای، مورفی

جدول 3-نگرش‌ها در زمینه ارتباط هویت و محیط.

(ماخذ: Javadi et al, 2015)

Tab. 3- Attitudes in relation to identity and environment.

نظریه پردازان	نوع نگرش
الکساندر	محیط شامل مجموعه ای از قرارگاه های رفتاری
لینچ	خوانایی - محیط منطبق شده با توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی
راپاپورت	محیط حاصل ارتباطات منظم، الگومند و ساختاری
پارکینسن	محیط حاصل برقراری تعامل میان افراد و مکان کالبدی
گیفورد	محیط متأثر از فرد و قرارگاه فیزیکی او
هیوم	محیط پاسخ دهنده نیازهای انسان

(Mortazavi, 2001: 46). به عقیده هیوم تمام اقدامات بشر در مراحل مداخله و شکل‌دادن به محیط مصنوع به‌گونه‌ای در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی است. هویت محیط بیشتر متوجه ارضای نیازهای ذهنی و عاطفی بشر است، تا نیازهای که به جسم وی سروکار دارند (Javadi et al, 2015: 144). به‌طورکلی می‌توان عنوان کرد که محیط ساخته شده هر چه هست، تجربه مشترک زندگی مردم را در محلی خاص شکل می‌دهد و لذا نمی‌توان در طراحی محیط، مردم و استفاده-کنندگان از محیط را نادیده گرفت (Pour jafar et al, 2012: 12) (جدول 3).

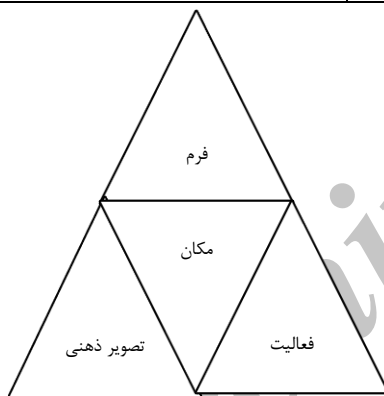
در زمینه نحوه شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی در ارتباط با محیط خارج، از سوی نظریه‌پردازان علم

بخش‌های طراحی به عناصر و اجزای کالبدی مکان اشاره دارد. وی مکان را از رویکرد روان‌شناسی محیطی یک واژه تخصصی می‌داند که شامل فعالیت، قرارگاه کالبدی و اجزا دیگر است (Javanforoozande and Matlabi, 2011: 27). بنابراین مشخصه مکان خاصتر بودن آن نسبت به فضا و در هم‌تنیدگی آن با ارزش‌های انسانی است (Rahmani, 2010: 88).

جدول 5- مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری، (ماخذ: Carmona, 2006)

Tab. 5-Location and Measurement Scales

مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی های محلی-سنتی، ساعات فعالیت، فعالیت‌های جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبت‌ها، فضاهای عمومی



شکل 2-مدل مفهومی مکان و اجزا آن (ماخذ: Canter, 1977a)

Fig. 2-Conceptual model of location and its components.

1-5- هویت فضا و هویت مکان

رابطه انسان با فضا، چیزی جز باشیدن، به معنای گوهرین آن نیست. شولتز نیز معتقد است که: "آدمی با حضور در فضا، معناها را آشکار و ادراک می‌کند و به موجب آن به حیات اجتماعی و هدف‌دار دست می‌یابد (Sajjad zade, 2012: 181). به طور کلی رابطه بین انسان و فضا یک رابطه متقابل است و از دو جنبه دارای اهمیت است: 1- تأثیرات رفتار بر فضا، 2- تأثیرات فضا بر رفتار.

(daviran, 2014: 84). بنابراین در توصیف فضا، انسان نقش محوری ایفا می‌کند (Raeisi, 2012: 11). چرا که مفهوم فضا از دیدگاه پدیدارشناسانه² بدین‌گونه است که؛ انسان بخشی از پدیده‌هایی را که در محیط اطرافش وجود دارد (واقعیت)، با حواس پنج‌گانه از محیط دریافت و به ذهن منتقل می‌کند (عینیت) و بدین ترتیب با تعامل انسان و محیط (ادراک و رفتار) آن را تجربه می‌نماید تا ذهنیتی در قالب یک تصویر ذهنی از محیط به دست آورد (Javadi et al, 2015: 146). به عبارت دیگر می‌توان گفت پدیدارشناسی فضا، رابطه آدمی با مکان و از راه مکان با فضا و نحوه هست‌بودن اوست. مفهوم مکان از دیدگاه پدیدارشناختی (پدیدار شناسی هوسرل) بدین‌گونه است که بر اساس تعریف فضا که در رده عینیت قرار می‌گیرد و دارای فرم و عملکرد است، چنانچه برای انسان معنای خاصی به همراه داشته باشد و در ذهن، خاطراتی را ایجاد کند، ذهنیت جای خود را باز می‌کند و فضا از پدیده‌ای عینی به موجودی ذهنی، تبدیل می‌گردد که «مکان» نام دارد. این تعریف به صورت مکان = فضا + معنی بیان می‌شود (Taban et al, 2011: 85)؛ همچنین راپاپورت (Harrison & Dourish, 1996: 6). مکان را یکی از چهار عنصر تعریف‌کننده فضا می‌داند که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می‌دهد (Modiri, 2008: 70). شولتز نیز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین-شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجارب و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌نماید (Schultz, 2005: 73). همچنین معتقد است تجربه مکان، تجربه معنای مکان است (Schultz, 1981). کارمونا³ نیز در کتاب خود مکان را یک مثلث سه قطبی حاصل برآیند سه عامل فعالیت، فرم و تصویر ذهنی می‌داند (شکل 2). همچنین تبدیل سه مؤلفه مذکور مکان به کیفیت‌های طراحی در جدول 5 مشخص گردیده است (Javadi et al, 2015: 148). کانتر⁴ نیز با ارائه چهره مکان (1977b) چهار جزء مرتبط در یک مکان را شامل تفاوت عملکردی، اهداف مکانی، مقیاس تعامل و بخش‌های طراحی دسته‌بندی می‌کند، که تفاوت عملکردی به فعالیت‌های مکان، اهداف مکانی به مفاهیم و معانی مکان، مقیاس به اندازه محیطی و

می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است (Aminzade, 2010: 5; Schultz, 1981). بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع، حس مکان تنها یک راه ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است (Stefanovie, 1998: 31-44).

انسان در اثر پیوند و ارتباط با مکان، خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجارب خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت‌ها تصویر ذهنی از آن مکان برای خود می‌سازد، مکان برای او قابل درک و فهم می‌شود (Rahmani, 2010: 87; Javadi et al, 2015: 148) و با توجه به اینکه بسیاری از رفتارهای انسان در محیط بیشتر تحت تأثیر ذهنیت و معنای مکان قرار می‌گیرد، بنابراین به پیوندی غیر گسستنی میان انسان و مکان می‌توان پی برد که به آن هویت گویند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد پدید می‌آید، هویت مکان نامیده می‌شود. رلف در کتاب "مکان و بی‌مکان" سه بعد اصلی برای «هویت مکانی» قائل است که معرف حس مکان نیز هستند و عنوان کرده است: «مشخصات فیزیکی، فعالیت‌ها و معنی اجزای اصلی هویت مکانی را شکل می‌دهند» (Relph, 1976: 47). رلف معنای مکان در تصاویر ذهنی و خاطره‌های مردم را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌داند و می‌گوید: «تا زمانی که معنای مکان در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصاویر ذهنی و تجارب انسان‌ها از مکان جستجو کرد» (Sadat habibi, 2008: 43; Javadi et al, 2015: 149) (شکل 3).

مکان	مشخصات کالبدی	رفتار انسان
	فعالیت	
	عینیت	
	ذهنیت	
	تصویر ذهنی	

شکل 3- اجزای اصلی هویت مکانی و تأثیر مکان و ویژگی

هاش بر رفتار انسان

(مأخذ: Javadi et al, 2015)

Fig. 3- The main components of spatial identity and the impact of its location and characteristics on human behavior

1. تأثیرات رفتار بر فضا: فضا بخشی از ویژگی‌های خود را که شامل خصوصیات کیفی آن است، از تأثیرات رفتار مردم در آن فضا به امانت می‌گیرد.
2. تأثیرات فضا بر رفتار: رفتارها بر اساس پاسخی که از محیط دریافت می‌کنند، می‌توانند تقویت یا تضعیف شوند. فضا بخشی از زمینه رفتار است و می‌تواند در کنترل رفتار، یعنی القا یا حذف رفتار نقش داشته باشد. بنابراین می‌توان برای فضا نقشی القاکننده یا تشویقگر قائل شد⁵ (Javadi et al, 2015: 147). لینچ (1998) معتقد است: «که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد، تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد (Javadi et al, 2015: 149). رابطه انسان و مکان غیر قابل تفکیک و عجین شده باهم است. از نظر کانتر مکان نمی‌تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود (Lang, 2012: 15). رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح مکان یاد می‌کند (Carmona, 2006: 99)؛ همچنین به هویت مکانی اشاره می‌کند که تحت تأثیر حس مکان است (Pourjafar et al, 2012: 86).

جدول 6- حس مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و

مونتگمری

(مأخذ: Carmona, 2006)

Tab. 6-The sense of place and criteria for its measurement

معیارهای سنجش	حس مکان
همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی	معنا
استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو، روانی نقلیه، رفتار، الگو، خوانایی، بو و صدا	فعالیت
منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت و میلان	ساختار فیزیکی

از این سه حس (ساختار فیزیکی، فعالیت و معنا) است اما آنها را در ایجاد حس مکان در مردم تأثیرگذار می‌داند (Javadi et al, 2015: 148) (جدول 6).

بسیاری از پژوهشگران معتقدند حس مکان، مفاهیمی چون هویت مکانی، دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان را نیز در برمی‌گیرد (Sajjadzade, 2013: 70). از نظر نوربرگ شولتز، نیز حس مکان در مکان‌هایی یافت



هویت مکان در عین آن که وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع پذیری اوست، انعکاس دهنده افراد و گروه-هایی است که در آن مکان خاص زندگی می کنند (Sajjad zade, 2013: 70; Proshansky, 1978: 155). پروشنسکی معتقد است، هویت مکان زیرمجموعه‌ای از هویت خویش است (Proshansky et al, 1983)؛ بنابراین می توان گفت هویت مکان از ارزش های فردی و جمعی نشأت می گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می یابد (Relph, 1976). هویت مکان به عنوان یکی از راه های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه ها، فرم ها و نمادهای شهری و ویژگی-های بصری و کالبدی ادراک می گردد (Aminzade, 2010: 5). در واقع می توان گفت هویت مکان نوعی دلبستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می بخشد (Willams & Vaske, 2003: 830).

1-6- حوزه مورد مطالعه

رشت از نظر بافت تاریخی و معماری جزء یکی از شهرهای مهم تاریخی ایران به شمار می آید. اما به جهت شرایط آب و هوایی آن و نابودی آثار تاریخی و معماری، بناهای زیادی در این شهر تاریخی که قدمت مرکزیت آن به پیش از سده نهم م.ق. باز می گردد، باقی نمانده است. با این حال تنوع و تعدد محلات تاریخی بازگوکننده قدمت این شهر است. یکی از محلات مهم شهر رشت، ساغری-سازان است که یادگارهای مهم معماری و تاریخی در دل خود دارد (Karimi azari et al, 2015: 273). محله ساغری سازان از محلات اعیان نشین رشت بود که در کنار آن محله فقیرنشین یهودی تپه قرار داشت. محله بزرگ زاهدان، که ساغری سازان از زیر مجموعه های آن به شمار می آمد، به سبب وجود چند زیارتگاه که مهم ترین آن ها زیارتگاه خواهر امام رضا(ع) است و نیز چند مدرسه دینی داری وجهه ای مذهبی بوده است. راسته ساغری سازان که به بازار اصلی رشت نیز متصل می شد، دکان ها و کارگاه-هایی داشت که کار اصلی شان تولید و عرضه کفش های چرمی (ساغری) بود؛ کفش هایی که روحانیون ظاهرا

مشتری اصلی آن ها بودند. هر چند امروزه این مغازه ها به فروش محصولات دیگری اختصاص یافته، اما هنوز این راسته از جمله مناطقی در رشت است که می توان حضور معماری سنتی این شهر را به وضوح در آن مشاهده کرد. این ویژگی نه اکنون بلکه حتی در دوره قاجار نیز برای بسیاری از ناظران قابل توجه بود. چنانچه مادام کارلاسرنا به «حال و هوای کاملاً آسیایی» بازار رشت در مقایسه با خانه های شهر که بیشتر به خانه های اروپایی شباهت داشتند اشاره می کند. تفوق عنصر چوب که در ساختمان حجره های این راسته مشهود است به همراه کرسی های آجری که حدود یک متر از زمین فاصله دارند و به منظور جلوگیری از نفوذ رطوبت زمین و حشره های موذی به کف ساختمان ساخته شده اند از جمله مهمترین عناصر معماری گیلان هستند (Oskuei, 2014: 74).

1-7- پیشینه تحقیق

لازمه انجام یک پژوهش موفق با خروجی های مثبت برای حل مسأله یا ارائه راهکارهای علمی و منطقی، مطالعه پیشینه آن موضوع در زمان های مختلف با اندیشه ها و روش های مختلفی است که در گذشته توسط علاقمندان و متخصصان امر انجام شده است. نظریه پردازان و فیلسوفان بسیاری در زمینه پدیدارشناسی مطالعاتی انجام دادند که از جمله می توان به کانت، هگل، ادوارد فن هارتمن، چارلز سندرس پرس، هوسرل، شلر، هایدگر، سارتر و مرلوپونتی و شولتز اشاره کرد. کریستین نوربرگ شولتز از پدیدارشناسان مطرح است که تحت تأثیر اندیشه های هایدگر و هوسرل بوده و خود را به عنوان یک «معمار پدیدارشناس» به جامعه جهانی نشان داده است (Ghiyomi Bidhendi, 2007: 80)؛ Mahmoudi nezhad, 2010: 1 و کتاب هایی در این زمینه منتشر کرده است. از جمله کتب شولتز که در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته است، کتاب "روح مکان" اوست که در این کتاب به این مهم اشاره دارد که هر شیء و مکانی روح و ویژگی های خاص خود را دارد که بر مبنای آن، خصلت ویژه خود را به دست می آورد و انسان به عنوان هستنده ای وجودی که زندگی اش وقوع می یابد، نیازمند آن است تا روح مکان را درک کند. همچنین اشاره به این نکته دارد که معماری به معنای تجسم

یگانه‌پنداری قابل تفکیک است. اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان به او متبادر نخواهد شد. هرچه ارتباط بین این وجوه واضح و روشنتر باشد، شهود ناظر از مکان بیشتر خواهد بود و بدین‌وسیله امکان تبادل معنای مکان به او بیشتر خواهد شد. شکل‌گیری ارتباط معنادار میان ناظر و مکان به تقویت هویت مکانی خواهد انجامید (Taban et al, 2015).

چنگیزی در پژوهشی تحت عنوان "بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (بازار کرمان)" به این نکته اشاره می‌کند که هویت مکان از ارتباط میان ذهنیت انسان که متأثر از ویژگی‌های فردی و نیازهای انسانی اوست، با عینیت فضای شهری که سه بعد شکلی، معنایی و محتوایی دارد، ادراک می‌شود. در پایان مدلی مفهومی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت مکانی و نحوه ارتباط آن‌ها ارائه می‌دهد (Changizi, 2013).

پورجعفر و همکارانش در مقاله "هویت و مکان؛ رویکردی پدیدارشناسانه"، به این مسأله اشاره می‌کنند که هر چشم‌اندازی برخوردار از کیفیتی طبیعی است که با آن در خلال حرکت‌مان ارتباط برقرار کرده و ساخته دست انسان باید با چنین کیفیتی تناظر برقرار کند تا ورود به مکان و ماندن و اقامت در آن به امری واقعی بدل گردد. در رویارویی با پیکره و سیما است که تمایز و تفاوت میان عرصه‌های جمعی و فردی معین می‌گردد و زمینه شکل‌گیری و تقویت هویت فردی و اجتماعی پدیدار می‌گردد. فقدان هرگونه خصلت یا سرشت در محیط‌های روزگار مدرن این یگانگی و یگانه‌پنداری را به امری دشوار و حتی ناممکن بدل کرده و خود این معضل به عامل سرنوشت‌سازی در دست رفتن بیشتر مکان بدل شده است (Taban et al, 2012).

در مقاله دیگری تحت عنوان ارزیابی هویت و زیبایی به تلاش بهناز امین‌زاده (1389)، بافت قدیم و جدید نواب با روش پیمایشی مورد بررسی قرار گرفت و در پایان این نتیجه حاصل شد که به طور کلی برای اغلب فضاها، معیارهای عینی نسبت به معیارهای ذهنی تأثیر بیشتری در انتخاب یک منظر زیبا و با هویت دارند، اما در ارتباط

بخشیدن به روح مکان و وظیفه معمارخلق مکان‌های معنادار است که به واسطه آن انسان را در بودن یاری می‌رساند (Schultz, 2009).

در باب هویت و مکان نیز مطالعات بسیاری صورت گرفته است؛ در این بین می‌توان به دیدگاه هایدگر، کریستوفر الکساندر، رلف، تَوَآن، سیمون و غیره اشاره کرد، همچنین کریستین نوربرگ شولتز، بر مبنای نظریه‌های پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر، نظریه‌های متعددی در مورد معماری و به طور خاصتر مکان و فضا به عنوان فضای هستی دارد (Norberg Schultz, 1980). که در مقاله حاضر سعی شده مؤلفه‌های هویت‌ساز که فضا و مکان هستند، تأثیراتشان را بر انسان و رفتارهای او از دیدگاه پدیدارشناسان مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در داخل کشور نیز همایش‌ها، فصل‌نامه‌ها و کتب بسیاری در این زمینه نگاشته شده است که مقالات ذیل در پژوهش حاضر بیشتر مورد استفاده واقع شده است:

مقاله "درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت به وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد" به تلاش مهسا جوادی است که نگارنده در این مقاله ابتدا به توصیف مؤلفه‌های تأثیرگذار در هویت محیطی می‌پردازد و بدین‌وسیله هویت فضایی و هویت مکانی را که حاصل تعامل انسان- فضا و انسان- مکان است، تعریف می‌کند و سپس به مؤلفه‌های هویت مکانی (به صورت عوامل کالبدی، احساسی و فعالیتی)، هویت کالبدی، هویت شهری می‌پردازد و در نهایت مدلی مفهومی برای تعیین هویت شهری در نظر می‌گیرد (Javadi et al, 2015).

مقاله دیگری که مورد استفاده قرار گرفته مقاله "پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی" به تلاش تابان و همکاران ایشان است. در این پژوهش هویت مکان و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در - نهایت، این نتیجه حاصل شد که شناخت هر مکان در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با خصوصیاتش، تجارب ما از مکان، خاطرات و احساسات وابسته به مکان را برای ما زنده می‌کند و شناخت ما از مکان را ممکن می‌سازد. خصوصیات مکان ما را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد. به صورت سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و

با فضایی با کاربری مذهبی، نتیجه برعکس می‌شود و معیارهای ذهنی بر عینی غالب می‌گردند (Aminzade, 2010).

8-1- چهارچوب نظری

با مروری بر پژوهش محققان در زمینه هویت و مکان، هویت مکان را می‌توان چنین تعریف کرد که از ارتباط بین ذهنیت انسان که متأثر از ویژگی‌های فردی و نیازهای انسانی اوست، با عینیت فضای شهری ادراک می‌شود. هویت مکان دارای سه مؤلفه شکلی یا کالبدی، معنایی و اجتماعی است که مؤلفه‌های شکلی و اجتماعی در بعد عینیت و مؤلفه‌های معنایی در بعد ذهنیت قابل بررسی و تقسیم‌بندی خواهند بود. براساس مطالعات امین‌زاده (2010) در فضاهای مذهبی معیارهای ذهنی بر عینی اولویت دارند. از این رو در ادامه با توجه به اینکه بافت مورد مطالعه این پژوهش، بافتی نسبتاً مذهبی محسوب می‌شود، بررسی می‌شود که تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر هویت‌مندی این بافت چگونه است. لذا برای این منظور و دستیابی به نتایج دقیقتر، و همچنین تکمیل مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات پیمایشی انجام شده است؛ چراکه توجه به نظر ساکنان و کسبه که تجربه بودن در این بافت را داشته‌اند، می‌تواند راهگشا و مفید باشد.

از این رو سعی بر این است که فرضیات وجود یا عدم وجود هویت مکانی در بافت قدیمی رشت و همچنین میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های عینی و ذهنی در هویت بخشی به آنها مورد واکاوی قرار گیرد. برای این-منظور به بررسی تأثیرگذاری مؤلفه‌های مستندی که از مطالعات مستخرج شده‌اند (جدول 7) بر هویت‌مندی یکی از بافت‌های تاریخی شهر رشت پرداخته شده است؛ تا از این طریق بتوان الگویی برای وجود هویت در بافت‌های تاریخی شهر ارائه داد و در ادامه به هدف اصلی این پژوهش که ارائه راهکارهایی برای ارتقای هویت‌مندی در بافت‌های جدید با الگوبرداری از بافت‌های تاریخی است، دست پیدا کرد.

2- روش تحقیق

روش تحقیق فرآیندی نظام‌مند، برای یافتن پاسخ یک پرسش یا راه حل یک مسأله است. در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه و دستیابی به مؤلفه‌های هویت مکان روش تحلیلی- تفسیری، بر مبنای مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز برای مطابقت مؤلفه‌ها با بافت، مشاهده میدانی انجام شده است. به عبارتی مبانی نظری پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده و شاخص‌های سنجش موضوع در جدولی به صورت مستند استخراج شده‌اند. سپس بر مبنای شاخص‌های استخراجی، و با هدف دستیابی به اطلاعات دقیقتر درباره اولویت‌بندی مؤلفه‌ها از روش پیمایشی و استناد به نظر ساکنان این محل استفاده شده است. از این رو اقدام به طراحی پرسش‌نامه‌ای بر مبنای طیف پنج‌گانه لیکرت شد. تعداد پرسش‌نامه‌ها با استفاده از جدول مورگان، 373 عدد در نظر گرفته شده‌اند. با تکمیل پرسش‌نامه‌ها و وارد کردن آنها در نرم‌افزار SPSS، اقدام به استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر هویت‌مندی بافت‌های قدیمی با استفاده از روش تحلیل عامل اکتشافی شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی (و با روش گام به گام)، ضریب بتا برای عوامل مشخص گردید. در نهایت، براساس ضرایب به دست آمده به اولویت‌بندی آنها پرداخته شد.

ابتدا از آزمون پایایی و روایی برای سنجش استاندارد بودن پرسش‌نامه استفاده شد، در ادامه برای شناخت ویژگی‌های گروه نمونه از جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمرات استفاده به عمل آمد. سپس نتایج کمی توسط آزمون‌های تحلیل عاملی، آزمون بارتلت-KMO و تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی آنالیز شد.

داده‌های به دست آمده از 373 نفر بعد از بررسی صحت ورود داده‌ها، بررسی داده‌های مفقود شده و بررسی داده-های پرت در دو بخش استنباطی و توصیفی تحلیل شده است.



جدول 7- مستند سازی و جمع بندی متغیرهای مؤثر در هویت مکان بافت مورد نظر

Tab. 7- Documenting and summarizing the variables that affect the location of the text.

ایجاد	متغیرها	شکلی	اجتماعی	معنایی																									
Mahmoodi nezhad, 2008	تجانس و هماهنگی بصری و عملکردی ریتم (توالی و تداوم در دیده‌های پیاپی)	نظم فضایی																											
		نظم ادراکی																											
		وضوح، روشنی و سادگی قلمرو																											
	تباين فضایی تعريف سلسله مراتب فضایی کیفیت بصری و هنری	محصولیت فضاها با توجه به عملکردشان هماهنگی الگوی نماها عناصر نشانه‌ای مشخص و شکل‌گیری تصوی ذهنی مشخص	تنوع فضایی																										
			محصور کردن فضا																										
			نشانه‌ها																										
	عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا طراحی اقلیمی	احساس امنیت عاطفی و کالبدی افراد گسترش مفهوم خود امکان بروز تعاملات اجتماعی فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه روز قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا و گوناگونی در کاربری‌های جاذب جمعیت	مقیاس انسانی																										
			طراحی اقلیمی																										
			فردی																										
	معنی دار بودن مکان‌ها پیشینه تاریخی (ریشه داشتن) ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های زیباشناختی و استفاده از تزئین‌ها مشابهت به انگیزه‌های رفتاری خوانایی (وضوح مسیر حرکت) احساس تعلق سیمای شهری و تصویر ذهنی (تطبیق عینیت فضا با اندوخته‌های ذهنی) خاطرات جمعی بازشناسی مسیر و جهت‌یابی مرکز گرایی و توجه به اصل توحید	Javadi et al, 2015	مقیاس انسانی																										
			طراحی اقلیمی																										
			فردی																										
Dehghan, 2014	Changizi, 2013	تباين فضایی تعريف سلسله مراتب فضایی کیفیت بصری و هنری	محصور کردن فضا	نشانه‌ها																									
					عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا طراحی اقلیمی	احساس امنیت عاطفی و کالبدی افراد گسترش مفهوم خود امکان بروز تعاملات اجتماعی فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه روز قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا و گوناگونی در کاربری‌های جاذب جمعیت	معنی دار بودن مکان‌ها پیشینه تاریخی (ریشه داشتن) ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های زیباشناختی و استفاده از تزئین‌ها مشابهت به انگیزه‌های رفتاری خوانایی (وضوح مسیر حرکت) احساس تعلق سیمای شهری و تصویر ذهنی (تطبیق عینیت فضا با اندوخته‌های ذهنی) خاطرات جمعی بازشناسی مسیر و جهت‌یابی مرکز گرایی و توجه به اصل توحید																						
								مقیاس انسانی	طراحی اقلیمی	فردی																			
معنی دار بودن مکان‌ها پیشینه تاریخی (ریشه داشتن) ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های زیباشناختی و استفاده از تزئین‌ها مشابهت به انگیزه‌های رفتاری خوانایی (وضوح مسیر حرکت) احساس تعلق سیمای شهری و تصویر ذهنی (تطبیق عینیت فضا با اندوخته‌های ذهنی) خاطرات جمعی بازشناسی مسیر و جهت‌یابی مرکز گرایی و توجه به اصل توحید																													
	Amin zade, 2010	Pour jafar, 2012	Taban et al, 2011	Changizi, 2013	Dehghan, 2014	Javadi et al, 2015	تجانس و هماهنگی بصری و عملکردی ریتم (توالی و تداوم در دیده‌های پیاپی)				نظم ادراکی	وضوح، روشنی و سادگی قلمرو	تباين فضایی تعريف سلسله مراتب فضایی کیفیت بصری و هنری	محصولیت فضاها با توجه به عملکردشان هماهنگی الگوی نماها عناصر نشانه‌ای مشخص و شکل‌گیری تصوی ذهنی مشخص	عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا طراحی اقلیمی	احساس امنیت عاطفی و کالبدی افراد گسترش مفهوم خود امکان بروز تعاملات اجتماعی فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه روز قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا و گوناگونی در کاربری‌های جاذب جمعیت	معنی دار بودن مکان‌ها پیشینه تاریخی (ریشه داشتن) ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های زیباشناختی و استفاده از تزئین‌ها مشابهت به انگیزه‌های رفتاری خوانایی (وضوح مسیر حرکت) احساس تعلق سیمای شهری و تصویر ذهنی (تطبیق عینیت فضا با اندوخته‌های ذهنی) خاطرات جمعی بازشناسی مسیر و جهت‌یابی مرکز گرایی و توجه به اصل توحید												
								Benamian, 2010	Mireei, 2013	Amin zade, 2010								Pour jafar, 2012	Taban et al, 2011	Changizi, 2013	Dehghan, 2014	Javadi et al, 2015	تجانس و هماهنگی بصری و عملکردی ریتم (توالی و تداوم در دیده‌های پیاپی)	نظم ادراکی	وضوح، روشنی و سادگی قلمرو	تباين فضایی تعريف سلسله مراتب فضایی کیفیت بصری و هنری	محصولیت فضاها با توجه به عملکردشان هماهنگی الگوی نماها عناصر نشانه‌ای مشخص و شکل‌گیری تصوی ذهنی مشخص	عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا طراحی اقلیمی	احساس امنیت عاطفی و کالبدی افراد گسترش مفهوم خود امکان بروز تعاملات اجتماعی فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه روز قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا و گوناگونی در کاربری‌های جاذب جمعیت
Amin zade, 2010																													
	Amin zade, 2010	Pour jafar, 2012	Taban et al, 2011	Changizi, 2013	Dehghan, 2014	Javadi et al, 2015	تجانس و هماهنگی بصری و عملکردی ریتم (توالی و تداوم در دیده‌های پیاپی)				نظم ادراکی	وضوح، روشنی و سادگی قلمرو	تباين فضایی تعريف سلسله مراتب فضایی کیفیت بصری و هنری	محصولیت فضاها با توجه به عملکردشان هماهنگی الگوی نماها عناصر نشانه‌ای مشخص و شکل‌گیری تصوی ذهنی مشخص	عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا طراحی اقلیمی	احساس امنیت عاطفی و کالبدی افراد گسترش مفهوم خود امکان بروز تعاملات اجتماعی فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه روز قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا و گوناگونی در کاربری‌های جاذب جمعیت	معنی دار بودن مکان‌ها پیشینه تاریخی (ریشه داشتن) ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های زیباشناختی و استفاده از تزئین‌ها مشابهت به انگیزه‌های رفتاری خوانایی (وضوح مسیر حرکت) احساس تعلق سیمای شهری و تصویر ذهنی (تطبیق عینیت فضا با اندوخته‌های ذهنی) خاطرات جمعی بازشناسی مسیر و جهت‌یابی مرکز گرایی و توجه به اصل توحید												

2-1- آزمون پایایی

متغیرها، میانگین و انحراف معیار هر یک از سوالات و تعداد نمونه‌ها مشاهده می‌شود. در جدول هرچه مقدار آلفا به یک نزدیکتر باشد نشان از پایایی بیشتر پرسش-نامه دارد. اگر مقدار آلفا بیشتر از 0.7 باشد پایایی خوب و اگر بین 0.5 تا 0.7 باشد پایایی متوسط و اگر کمتر از 0.5 باشد، پرسشنامه فاقد پایایی لازم است (جدول 8) باتوجه به جدول 9، سن 373 نفر از افراد شرکت‌کننده در این مطالعه در پنج گروه طبقه‌بندی شده‌است که 51 نفر (13.7 درصد) در گروه کوچکتر از 20 سال، 125 نفر (33.5 درصد) در گروه سنی 20-35 سال، 83 نفر (22.3 درصد) در گروه 36-50 سال، 76 نفر (20.4 درصد) در گروه 51-65 سال و 38 نفر (10.2 درصد) بزرگتر از 65 سال قرار گرفته بودند.

جدول 10-توصیف گروه نمونه براساس جنسیت

Tab. 10-Description of the sample group based on gender

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
زن	163	43/7	43/7
مرد	210	56/3	100
کل	373	100	

آماره پایایی

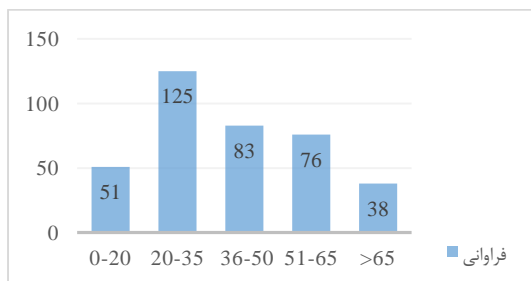
Reliability statistics

تعداد آیتم	آلفای کرونباخ
29	0.557

مقدار آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه مقدار 0.55 به دست آمده است که نشان‌دهنده این موضوع است که مقدار پایایی این پرسشنامه در حد متوسط است.

2-2- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه

- توصیف گروه نمونه براساس سن



شکل 4-توصیف گروه نمونه بر اساس سن

Fig. 4-Describe sample groups based on age

جدول 9-توصیف گروه نمونه براساس سن

Tab. 9-Describe sample groups based on age

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
<20 سال	51	13/7	13/7
20-35 سال	125	33/5	47/2
36-50 سال	83	22/3	69/4
51-65 سال	76	20/4	89/8
>65 سال	38	10/2	100
کل	373	100	

جدول 8- میانگین و انحراف معیار هر یک از سوالات

Tab. 8-Average and standard deviation of each question

سوالات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	سوالات	تعداد	میانگین	انحراف معیار
X1	373	3/65	1/127	X16	373	3/39	1/411
X2	373	3/29	1/302	X17	373	3/35	1/392
X3	373	2/74	1/24	X18	373	3/14	1/398
X4	373	3/46	1/256	X19	373	3/31	1/367
X5	373	3/22	1/365	X20	373	3/59	1/314
X6	373	3/52	1/307	X21	373	3/27	1/343
X7	373	2/90	1/320	X22	373	3/28	1/357
X8	373	2/99	1/393	X23	373	3/10	1/343
X9	373	3/13	1/347	X24	373	3/58	1/325
X10	373	2/9	1/324	X25	373	3/57	1/347
X11	373	3/26	1/353	X26	373	3/28	1/345
X12	373	2/91	1/335	X27	373	3/46	1/376
X13	373	3/15	1/382	X28	373	3/45	1/352
X14	373	3/35	1/391	X29	373	3/45	1/378
X15	373	3/28	1/366				

جدول 11-توصیف گروه نمونه براساس تحصیلات

Tab. 11-Description of sample group based on education

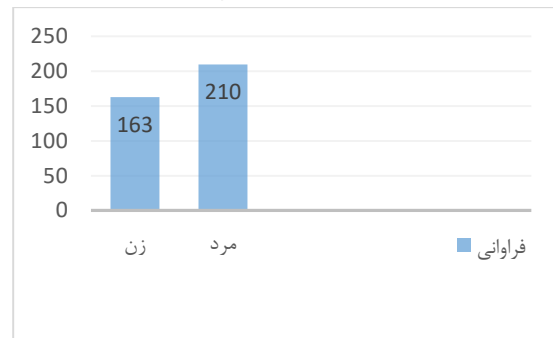
وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
ابتدایی	73	19/6	19/6
دیپلم	188	50/4	70
فوق دیپلم	77	20/6	90/6
لیسانس	31	8/3	98/9
فوق لیسانس	4	1/1	100
کل	373	100	

به طور کلی جامعه آماری انتخاب شده به دلیل آشنایی بیشتر نسبت به بافت و ویژگی‌های شکلی، معنایی و فعالیت‌های موجود در محله ساغری‌سازان، از ساکنین و کسبه محله مورد نظر انتخاب شده‌اند، بافت مورد نظر بافت قدیمی است و اغلب افرادی که در آن سکونت داشتند، کسانی بودند که بیشتر سال‌های زندگی‌شان را در آنجا بوده‌اند، یا بعد از اینکه برای سکونت از ساغری-سازان خارج شده‌اند، دوباره برای کسب و کار خود به آن محل بازگشته‌اند. اغلب افراد انتخاب شده در گروه سنی بالای 40 سال بودند و در راسته اصلی خیابان و قسمت‌های قدیمیتر محله سکونت داشتند، در حالی که پاسخ-دهندگان جوانتر که در گروه سنی زیر 40 سال بودند، در قسمت‌های جدیدتر زندگی می‌کردند و بر اساس گفته‌ها، حس مکان و خاطره‌انگیزی کمتری را نسبت به خیابان-های جدیدتر احساس می‌کردند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز بیشتر افراد سواد دانشگاهی نداشتند و افراد سال خورده نیز اغلب یا تحصیلات ابتدایی داشتند یا بی‌سواد بودند.

2-3- آزمون تحلیل عاملی

پس از استخراج اطلاعات از پرسش‌نامه و وارد کردن آن‌ها در نرم‌افزار SPSS، اقدام به تشکیل ماتریس اولیه اطلاعات شد. این ماتریس از 373 ردیف (هر ردیف به ازای یک پرسش‌نامه) و 29 ستون (هر ستون به ازای یک متغیر) تشکیل گردیده است. خروجی اول تحلیل عاملی مربوط به آزمون KMO است. مقدار KMO، همواره بین 0 و 1 است. در صورتی که مقدار موردنظر کمتر از 0.5 باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود. اما در صورتی که این مقدار بالای 0.5 باشد، همبستگی

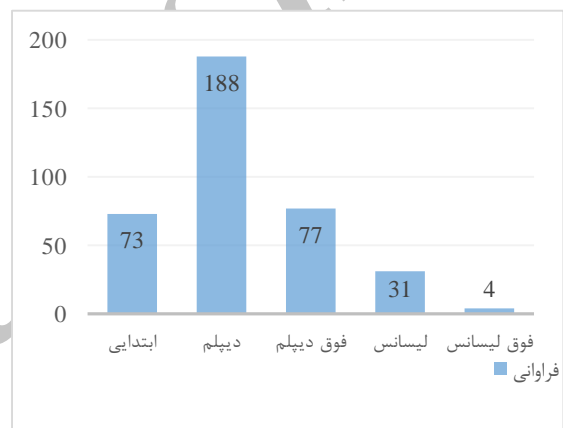
شکل 5-توصیف گروه نمونه بر اساس جنسیت



شکل 5-توصیف گروه نمونه بر اساس جنسیت

Fig. 5-Description of the sample group based on gender

شکل 6-توصیف گروه نمونه بر اساس تحصیلات

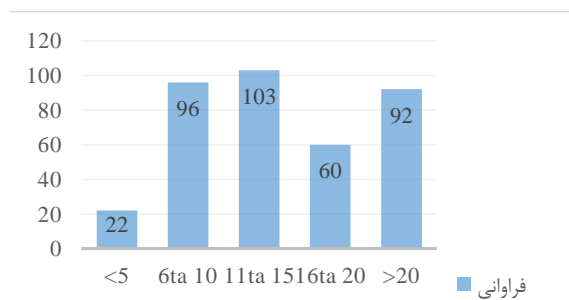


شکل 6-توصیف گروه نمونه بر اساس تحصیلات

Fig. 6-Description of sample group based on education

(148 :394)

شکل 7-توصیف گروه نمونه بر اساس سال‌های زندگی



شکل 7-توصیف گروه نمونه بر اساس سال‌های زندگی

Fig. 7-Description of the sample group based on years of life

موجود در میان داده‌ها برای تحلیل مناسب خواهد بود. از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، باید از آزمون بارتلت استفاده کرد. آزمون بارتلت هنگامی معنادار است که احتمال وابسته به آن کمتر از 0.05 باشد. در این پژوهش مطابق با جدول 13 مقدار عددی آزمون KMO برابر 0.656 به دست آمد که به معنی آن است که همبستگی موجود داده‌ها برای تحلیل مناسب خواهد بود. خروجی بعد مربوط به آزمون بارتلت است. مطابق با جدول 13 مقدار آزمون بارتلت در حد پذیرش قرار دارد. (سطح معناداری، $Sig=0/00$). در ادامه به تحلیل عاملی پرداخته شد که مشخص می‌کند که برآیند تحلیل عاملی در کاهش و خلاصه‌سازی شاخص‌ها و سنجه‌های کیفیت به چند عامل نهایی منتهی شده است و مهمتر اینکه سهم هر یک از عوامل مربوطه در تبیین هویت مکان به چه میزان بوده است.

جدول 13-مقادیر آزمون‌های کایرز مییر و بارتلت در

شناسایی هویت مکان در محله ساغری‌سازان رشت

Tab. 13-Quantification of Keys Mire and Bartlett's Identity Identification in Saghtar-e Azan Neighborhood in Rasht

	آزمون کفایت نمونه‌گیری کایرز مییر (KMO)	0/656
آزمون کرویت بارتلت	کای اسکوتر	906/267
	درجه آزادی	406
	سطح معنی‌داری	0/000

مطابق با جدول 14، در نهایت 11 عامل به عنوان عوامل تبیین‌کننده هویت مکان در ساغری‌سازان مشخص گردید.

عامل اول: این عامل 9.94 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل بیشترین نقش را در تبیین هویت مکان ایفا می‌کند. با ملاحظه ماتریس عاملی دوران یافته مشاهده می‌شود که این عامل با «ارتباط انتقال ارزش-های فرهنگی»، «بازشناسی مسیر» و «خاطرات جمعی» دارای بیشترین ارتباط است. این عامل را می‌توان «عامل ادراکی-شناختی» نام گذاری کرد.

عامل دوم: این عامل 6.305 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «سلسله مراتب فضایی»، «طراحی اقلیم»، «تعاملات اجتماعی» بیشترین ارتباط است. این عامل را می‌توان «عامل محیطی-اجتماعی» نام گذاری کرد.

عامل سوم: این عامل 5.474 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «فعال بودن شبانه روز» و «مرکزگرایی» دارای بیشترین ارتباط است. این عامل را می‌توان «کارکردها و فعالیت‌های اجتماعی» نام گذاری کرد.

جدول 14-مجموع واریانس تبیین شده مؤلفه‌های هویت مکان در محله ساغری‌سازان رشت

Tab. 14-The total variance of the location identity components in the Saghari-Sazan neighborhood of Rasht

عامل	مقادیر ویژه اولیه			مقادیر چرخش یافته		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
1	2.884	9.944	9.944	1.751	6.038	6.038
2	1.828	6.305	16.249	1.563	5.390	11.428
3	1.578	5.474	21.723	1.559	5.377	16.805
4	1.394	4.806	26.528	1.511	5.211	22.016
5	1.309	4.515	31.043	1.474	5.082	27.098
6	1.255	4.327	35.369	1.469	5.067	32.165
7	1.195	4.120	39.490	1.410	4.862	37.027
8	1.126	3.882	43.372	1.399	4.823	41.751
9	1.095	3.775	47.147	1.254	4.324	46.175
10	1.056	3.641	50.788	1.236	4.262	50.438
11	1.041	3.589	54.377	1.143	3.940	54.377



عامل دهم: این عامل 3.641 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «نظم ادراکی»، «امنیت عاطفی و کالبدی افراد» و «الگوی نماها» دارای بیشترین ارتباط است. این عامل را می‌توان امنیت نام گذاری کرد.

عامل یازدهم: این عامل 3.589 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «عرض مناسب فضا» و «ارزش‌های زیباشناختی» دارای بیشترین ارتباط است. این عامل را می‌توان «ساختار محیط» نام گذاری نمود.

پس از تعیین عوامل اصلی مؤثر بر هویت مکان محله ساغری‌سازان رشت، باید به رابطه میان این عوامل و هویت مکان پی برد. به همین منظور با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی (و با روش گام به گام)، ضریب بتا برای عوامل مشخص می‌شود. بار دیگر فرضیات پژوهش مطرح می‌گردد تا در ادامه استنباط‌های مربوط به فرضیات پژوهش ارائه شوند.

3- نتایج و بحث

3-1 اولویت‌بندی متغیرهای بعد از تحلیل عامل اکتشافی

همان‌طور که در جدول شماره 15 قابل مشاهده است، با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی، ضریب بتا برای عوامل بعد از تحلیل عاملی اکتشافی مشخص شد.

عامل چهارم: این عامل 4.806 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «قلمرو» و «کیفیت هنری-بصری» بیشتر در ارتباط است. این عامل را می‌توان «سامان‌بندی دید و حرکت» نام گذاری نمود.

عامل پنجم: این عامل 4.515 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «ریتم»، «تباين فضایی» بیشتر در ارتباط است. این عامل را می‌توان «آرایش فضا» نام گذاری نمود.

عامل ششم: این عامل 4.327 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «تجانس و هماهنگی بصری و عملکردی» و «پیشینه تاریخی» بیشتر در ارتباط است. این عامل را می‌توان «ثبات» نام گذاری نمود.

عامل هفتم: این عامل 4.120 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «محصولیت فضا» و «سیمای شهری» بیشترین ارتباط را دارد. این عامل را می‌توان «پیکره و سیما» نام گذاری نمود.

عامل هشتم: این عامل 3.882 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «گسترش مفهوم خود»، «قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا» و «معنی‌دار بودن فضاها» بیشتر در ارتباط است. این عامل را می‌توان «هویت فردی و جمعی» نام گذاری نمود.

عامل نهم: این عامل 3.775 درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عامل با «وضوح، روشنی و سادگی»، «احساس تعلق» بیشتر در ارتباط است. این عامل را می‌توان «آسایش محیطی» نام گذاری نمود.

جدول 15- نتایج آزمون رگرسیون و اولویت‌بندی متغیرها بعد از تحلیل عامل اکتشافی

Tab. 15-Results of regression test and prioritization of variables after exploratory factor analysis

اولویت	نوع متغیر	ضریب بار عاملی (x)	ضریب بتای عامل (y)	میانگین نارضایتی (z)	امتیاز نهایی (x,y,z)
1	هویت فردی و جمعی	1/138	0/282	3/73	1/190
2	ادراکی-شناختی	1/028	0/261	4/17	1/11
3	محیطی-اجتماعی	1/105	0/287	3/44	1/009
4	امنیت	0/945	0/201	3	0/569
5	آسایش محیطی	1/01	0/175	1/03	0/182
6	ثبات	1/004	0/144	1/25	0/180
7	آرایش فضا	1/084	0/202	0/82	0/179
8	کارکردها و فعالیتهای اجتماعی	1/037	0/212	0/8	0/17
9	سامان‌بندی دید و حرکت	1/045	0/22	0/21	0/004
10	ساختار محیط	1/058	0/186	0/19	0/037
11	پیکره و سیما	1/084	0/211	0/41	0/014

در ادامه با ضرب سه مقدار ضریب بار عاملی متغیر، بتای عامل و میزان نارضایتی متغیر می‌توان به رتبه بندی متغیرها به عنوان اولویت‌های هویت مکانی ساغری سازان دست یافت. بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده در هویت مکان محلله ساغری سازان رشت، مؤلفه‌های هویت فردی و جمعی، عوامل ادراکی- شناختی و عوامل محیطی- اجتماعی بر مؤلفه‌های دیگر اولویت دارد.

3-2-آزمون فرضیات

فرضیه اصلی: مؤلفه‌های ذهنی بیشتر از مؤلفه‌های عینی در هویت‌بخشی به بافت قدیمی شهر رشت مؤثر بوده است.

همان طور که پیشتر نیز توضیح داده شد، بر اساس مطالعات صورت گرفته توسط امین‌زاده (2010) در قسمت‌هایی از بافت مورد مطالعه آن پژوهش که کاربری مذهبی داشته، اغلب مؤلفه‌های ذهنی موجب باهویتتر شدن آن حوزه نسبت به مؤلفه‌های عینی شده‌اند، لذا با توجه به اینکه بافت مورد مطالعه پژوهش حاضر (محلله ساغری‌سازان) یک بافت نسبتاً مذهبی است که دارای مساجد، امام‌زاده‌های متعدد و حوزه‌های علمیه است و همچنین نشانه شهری این محلله نیز گلدسته مسجد گلدسته بوده است، انتظار می‌رود نتیجه‌ای مشابه نتیجه پژوهش امین‌زاده حاصل شود، از این رو فرضیه اصلی به این شکل تعریف شده که مؤلفه‌های ذهنی از مؤلفه‌های عینی در هویت‌بخشی آن مؤثرتر بوده است.

با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی، ضریب بتا برای عوامل مشخص شد. در ادامه با ضرب سه مقدار ضریب بار عاملی متغیر، بتای عامل و میزان نارضایتی متغیر می‌توان به رتبه‌بندی متغیرها به عنوان اولویت‌های هویت مکانی ساغری‌سازان دست یافت.

بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده در هویت مکان محلله ساغری‌سازان رشت، مؤلفه‌های عینی بر مؤلفه‌های ذهنی اولویت دارد. به این ترتیب، فرضیه تحقیق رد شده و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود (جدول 16 و 17). لذا باتوجه به نتیجه به دست آمده برخلاف پژوهش امین‌زاده، در بافت مورد مطالعه این نوشتار مؤلفه‌های عینی در هویت‌مندی، بر مؤلفه‌های ذهنی غالب هستند.

ریزفرضیه 1: از بین مؤلفه‌های ذهنی هویت مکان، پیشینه تاریخی به‌همراه سیمای شهری و تصویر ذهنی بیشترین تأثیر را در هویت‌مندی بافت قدیمی ساغری‌سازان دارند.

با توجه به پیشینه تاریخی این محلله، ریتم، سلسله‌مراتب و تباین فضایی و دیگر ویژگی‌های ظاهری، انتظار می‌رود بیش از عوامل دیگر، پیشینه و تصویر ذهنی موجود در ذهن افراد موجب تشخیص ویژه برای این محلله شده باشد. با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی، ضریب بتا برای عوامل مشخص شد. در ادامه با ضرب سه مقدار «ضریب بار عاملی متغیر»، «بتای عامل» و «میزان نارضایتی متغیر» می‌توان به رتبه‌بندی متغیرها به عنوان اولویت‌های هویت مکانی ساغری‌سازان دست یافت. بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده در هویت مکان ساغری‌سازان رشت، مؤلفه‌های پیشینه تاریخی و سیمای شهری بر دیگر مؤلفه‌ها اولویت دارد. بنابراین این فرضیه پذیرفته می‌شود (جدول 18).

ریزفرضیه 2: از بین مؤلفه‌های عینی نشانه و ابعاد جمعی تأثیرگذارتر از بقیه متغیرهای مورد بررسی است.

باتوجه به اینکه محلله ساغری‌سازان برای اغلب افراد یادآور گلدسته مسجد گلدسته به عنوان نشان شهری آن است و همچنین به دلیل کاربری‌های تجاری خرد و مساجد و فضای

جدول 16-جدول آمار توصیفی مؤلفه‌های ذهنی و عینی

Tab. 16-Descriptive table of mental and objective components

نوع متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
مؤلفه‌های ذهنی	40/47	5/998	35/981	27	57
مؤلفه‌های عینی	67/43	7/633	58/256	47	98

جدول 17-نتایج آزمون رگرسیون و اولویت‌بندی متغیرهای ذهنی و عینی

Tab. 17-Results of regression test and prioritization of objective and objective variables

اولویت	نوع متغیر	ضریب بار عاملی (X)	ضریب بتای عامل (Y)	میانگین نارضایتی (Z)	امتیاز نهایی (X,Y,Z)
1	مؤلفه‌های ذهنی	0/948	0/535	34/47	17/48
2	مؤلفه‌های عینی	0/875	0/628	59/43	32/65



«ضریب بار عاملی متغیر»، «بتای عامل» و «میزان نارضایتی متغیر» می‌توان به رتبه‌بندی متغیرها به‌عنوان اولویت‌های هویت مکانی ساغری‌سازان دست یافت. بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده در هویت مکانی محله ساغری‌سازان رشت، مؤلفه‌های طراحی اقلیم و کیفیت هنری- بصری بر مؤلفه‌های دیگر اولویت دارد و به‌این- ترتیب این فرضیه پژوهش رد شده و فرضیه صفر مورد قبول واقع می‌شود (جدول 19).

فرهنگی، فعال بودن محله در ساعات زیادی از شبانه‌روز و قابلیت حضورپذیری گروه‌های سنی مختلف، امکان برقراری تعاملات اجتماعی در نقاط مختلف آن وجود دارد، از این رو انتظار می‌رود از بین مؤلفه‌های عینی نشانه و ابعاد جمعی در هویت‌مندی این بافت تأثیر بیشتری داشته باشد. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی، ضریب بتا برای عوامل مشخص شد. در ادامه با ضرب سه مقدار

جدول 18-نتایج آزمون رگرسیون و اولویت‌بندی متغیرها
Tab. 18-Results of regression test and prioritization of variables

اولویت	نوع متغیر	ضریب بار عاملی (x)	ضریب بتای عامل (y)	میانگین نارضایتی (z)	امتیاز نهایی (x,y,z)
1	پیشینه تاریخی	1/001	0/124	2/95	0/366
2	سیمای شهری	0/997	0/126	2/88	0/362
3	مشابهت	1/001	0/126	2/42	0/353
4	ارزش‌های زیباشناختی	1/002	0/128	2/72	0/348
5	معنی دار بودن	1/001	0/129	2/69	0/347
6	ارتباط انتقال	0/989	0/125	2/73	0/337
7	مرکزگرایی	0/993	0/129	2/55	0/326
8	بازشناسی	0/999	0/127	2/55	0/323
9	خاطرات جمعی	1/008	0/130	2/54	0/322
10	تعلق احساس	0/999	0/127	2/43	0/308
11	خوانایی	0/989	0/123	2/42	0/305

جدول 19-نتایج آزمون رگرسیون و اولویت‌بندی متغیرها
Tab. 19-Results of regression test and prioritization of variables

اولویت	نوع متغیر	ضریب بار عاملی (x)	ضریب بتای عامل (y)	میانگین نارضایتی (z)	امتیاز نهایی (x,y,z)
1	طراحی اقلیم	1/005	0/131	2/85	0/398
2	کیفیت هنری، بصری	0/998	0/131	3/01	0/393
3	عرض مناسب فضا	0/997	0/127	3/09	0/391
4	سلسله مراتب	1/003	0/124	3/10	0/385
5	الگوی نماها	0/992	0/124	3/1	0/381
6	قابلیت حضور	1/004	0/132	2/86	0/379
7	محوریت فضا	1	0/127	2/87	0/364
8	قلمرو	1/002	0/129	2/78	0/359
9	فعال بودن شبانه روز	1/010	0/132	2/65	0/353
10	عناصر نشانه	1/007	0/128	2/74	0/353
11	مفهوم خود گسترش	1/005	0/129	2/72	0/352
12	تعاملات اجتماعی	0/995	0/132	2/61	0/342
13	امنیت عاطفی	0/99	0/129	2/65	0/338
14	ریتیم	0/998	0/122	2/61	0/317
15	نظم ادراکی	0/986	0/119	3/26	0/313
16	تباين فضایی	0/996	0/122	2/48	0/301
17	وضوح، روشنی، ادراکی	1/002	0/118	2/54	0/300
18	هماهنگی، تجانس	1/011	0/107	2/35	0/254

4- نتیجه‌گیری

به طور کلی هویت از دو بعد عینی و ذهنی تشکیل شده است که بعد عینی آن مربوط به مؤلفه‌های اجتماعی و فرمی و بعد ذهنی ناشی از مؤلفه‌های معنایی هستند. بر اساس پژوهش صورت گرفته، مشخص شد که در بافت مورد مطالعه معیارهای عینی نسبت به معیارهای ذهنی در انتخاب یک منظر با هویت تأثیر بیشتری دارند، ترجیحات ساکنین نشانگر آن است که پیشینه تاریخی غنی این بافت و طراحی اقلیمی / کیفیات مناسب بصری - هنری و عرض مناسب فضا عواملی هستند که بیشترین تأثیر را در هویت مکان آن دارا هستند. بر این اساس در ادامه به چهار اصل موجود در بافت قدیمی مورد مطالعه پرداخته می‌شود که توجه به آن در بافت‌های جدید می‌تواند اولویت بیشتری داشته باشد.

1- طراحی ساختمان‌های جدید در جهت ایجاد آسایش اقلیمی به صورتی که با اصول معماری آن اقلیم مطابقت داشته باشد تا بدین طریق بتوان در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی انسان گامی برداشت. چراکه مسکن بومی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از مسکن معاصر که به تقلید از نقشه‌های به‌روز ساخته شده است متمایز می‌کند و به آن هویت ویژه می‌بخشد.

2- تزئینات و نقش و نگارها، نقش زنده و خلاقیتی در معماری ایرانی داشته است. این زیبایی بصری می‌تواند باعث غنی شدن شکل معماری شود و معنا و هویت ویژه‌ای به فضا ببخشد. برای اینکه تزئینات در معماری امروزی باعث هویت‌مندی بافت‌های جدید شود باید از تزئینات و آرایه‌هایی استفاده شود که در عین جدید بودن ارجاعاتی به زمان گذشته داشته باشند تا تماشای آنها علاوه بر جنبه زینتی بودن، دعوتی برای سیر و سیاحت آزادانه و حظ‌بی‌پایان نیز باشند.

3- نسبت بین ارتفاع ساختمان‌ها و عرض فضا بحث تناسب را تشکیل می‌دهد. اگر تناسب درست و انسانی باشد، از نظر روانی در ناظر احساس آرامش ایجاد می‌کند. اگر اندازه یک فضا با پیکر انسان ارتباط مطلوب داشته باشد، گفته می‌شود که فضا مقیاس انسانی دارد. بنابراین باید در طراحی بافت‌های جدید به ارتفاع ساختمان‌ها با

توجه به عرض معابر بیش‌از پیش توجه شود تا بدین طریق در مخاطب احساس آرامش القا شود.

4- توجه به پیشینه تاریخی بافت و اصول مربوط به معماری ایرانی یکی از عوامل مؤثر در هویت‌مندی بافت جدید محسوب می‌شود. در این صورت فرد با فضا احساس این همانی می‌کند. اطمینان و تسلط ذهنی ناشی از این فرآیند، باعث آسودگی خاطر و حس تعلق بیشتر در افراد می‌شود.

از سوی دیگر این پژوهش به دنبال اولویت‌بندی مؤلفه‌های مستخرج از مطالعات کتابخانه‌ای و به منظور تکمیل آن‌ها، از مطالعات پیمایشی نیز بهره برده است که بر اساس تکنیک تحلیل عامل اکتشافی، متغیرها در یازده عامل تبیین‌کننده هویت مکان، شامل: «عوامل ادراکی - شناختی»، «محیطی - اجتماعی»، «کارکردها و فعالیت‌های اجتماعی»، «سامان‌بندی دید و حرکت»، «آرایش فضا»، «ثبات»، «پیکره و سیما»، «هویت فردی و جمعی»، «آسایش محیطی»، «امنیت» و «ساختار محیط» دسته‌بندی شده‌اند. پس از آن با استفاده از تکنیک تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی، رابطه میان مؤلفه‌ها و هویت مکان بافت‌های قدیمی مورد سنجش قرار گرفته است. در نهایت، با ضرب سه مقدار عددی «ضریب بار عاملی»، «ضریب بتای عامل» و «میانگین نارضایتی» به اولویت‌بندی متغیرهای هویت مکان در بافت ساغری‌سازان پرداخته شد که با توجه به آن 3 راهکار برای هویت‌مندی بافت‌های جدید پیشنهاد می‌گردد.

1- هویت فردی و جمعی طبق تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی، دارای بیشترین تأثیر در هویت‌مندی بافت قدیمی است، برای پیاده کردن آن باید در طراحی بافت‌های جدید تا حد امکان به معلوم و مشخص بودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که انسان در آن حضور پیدا می‌کند، توجه شود. اغلب قلمروها به صورت عمومی و خصوصی تفکیک می‌شوند که در معماری بافت‌های قدیمی توجه به قلمرو و حد میانی فضاهای عمومی و خصوصی کاملاً محسوس و قابل درک است. می‌توان برای پیاده کردن قلمرو در یک بافت جدید حداقل به صورت یک واحد محلی، چند واحد همسایگی و قلمرو یک واحد مسکونی

ایجاد آسایش اقلیمی به صورتی که با اصول معماری آن اقلیم مطابقت داشته باشد، می‌تواند گام مؤثری در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای زیست‌شناختی انسان باشد. چرا که مسکن بومی ویژگی‌هایی دارد که آن را از مسکن معاصر که به تقلید از نقشه‌های جدید ساخته شده است، متمایز می‌کند و به آن هویت ویژه می‌بخشد. همچنین در ارتباط با سلسله‌مراتب فضایی باید در طراحی قسمت‌های جدیدتر این مهم در نظر گرفته شود که با تعریف فضاهای حرکت، توقف و استراحت از یک سو، و در نظر گرفتن فضاهای عمومی و خصوصی با سلسله‌مراتب دست‌یابی از خیابان اصلی به کوچه‌های فرعی و توجه به عرض گذرها موجبات تعاملات اجتماعی و وجود سلسله‌مراتب فضایی را فراهم ساخت.

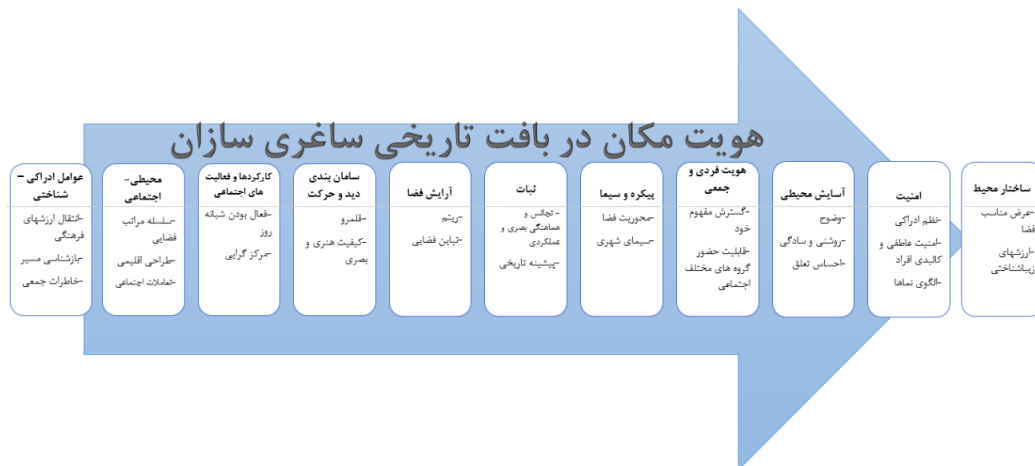
اگرچه در پژوهش حاضر به ارزیابی هویت مکان در ساغری‌سازان رشت پرداخته شد، لیکن شباهت‌های بسیاری را می‌توان میان آن و سایر بافت‌های قدیمی در شهر رشت مشاهده نمود. عواملی مانند: تباین فضایی، قلمرو، سلسله‌مراتب، استفاده از تزئینات، طراحی اقلیمی، توجه به مقیاس انسانی، امنیت عاطفی و کالبدی، تعاملات اجتماعی گسترده بین ساکنین، خاطرات جمعی، احساس تعلق در بین آنها، عناصر نشانه‌ای شاخص، مرکزگرایی، خوانایی و غیره را می‌توان جز وجوه مشترک بسیاری از محلات قدیمی دانست که باعث هویت مکانی ویژه در آنها شده‌اند. در نهایت مؤلفه‌های به دست آمده در این نوشتار در شکل 8 ارائه گردید.

لازم به ذکر است با توجه به قدیمی بودن بافت و سکونت غالب افراد سال‌خورده در این محله، از محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به عدم همکاری آنها در پرکردن پرسش‌نامه‌ها اشاره کرد. همچنین با توجه به اینکه پهنه اقلیمی استان گیلان دارای سه پهنه معماری شامل جلگه‌ای- کوهپایه‌ای، کوهستانی مرطوب و کوهستانی نیمه خشک است، برای دست‌یابی به اصول طراحی معماری در بافت‌های جدید استان گیلان می‌توان محلات قدیمی در دیگر پهنه‌های معماری گیلان را نیز مورد بررسی قرار داد و اصول مستخرج از آنها را با اصول نهایی به دست آمده از این پژوهش که مربوط به بخش جلگه‌ای از پهنه‌ی جلگه‌ای- کوهپایه‌ای است تجمیع کرد.

توجه داشت. تا بدین طریق به این تمایلات فطری انسان نیز پاسخ مناسب داده شود.

2- برای آنکه عوامل ادراکی- شناختی در یک بافت موجود باشد، طبق دسته بندی این نوشتار باید انتقال ارزش‌های فرهنگی، خاطرات جمعی و بازشناسی مسیر موجود باشد. به صورت کلی برای رفتن به هر جایی باید اول از مقصد، در ذهن دانسته یا خاطره‌ای داشت، بنابراین مکان مورد نظر نه تنها باید کیفیت‌های بصری داشته باشد، باید مشخص و دریافتنی هم باشد. این را می‌توان با سایه‌اندازی‌ها، عقب‌نشینی عناصر و ورودی‌ها و تعریف انتهای مسیر ایجاد کرد. از این رو برای ایجاد خاطرات جمعی در بین مردم وجود شاخص‌ها و عناصری در بافت ضروری است که می‌تواند ضمن کمک به بازشناسی مسیرها، به ایجاد خاطرات جمعی نیز کمک کنند. همچنین می‌توان برای این منظور فضاهایی را در نظر گرفت که ضمن برقراری تعاملات بین گروه‌های سنی مختلف و با توانایی‌های مختلف، زمینه‌ای برای رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی برقرار کند. فعالیت‌هایی همچون گفتگو، گردهم‌آیی، برگزاری مراسم مختلف، که موجب حضور گروه‌هایی از مردم در یک زمان و یک مکان مشخص گردد. وجود بافت تجاری خرد در کنار بافت مسکونی ویژگی‌هایی مانند گوناگونی کاربری‌ها، قابلیت حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، امکان بروز تعاملات، فضاهایی برای نشستن و انتقال زبانی ارزش‌های فرهنگی، فعال بودن در ساعات زیادی از شبانه‌روز، می‌تواند بافت را به مکانی به عنوان واسطه بین افراد با جامعه بزرگتر خود تبدیل کند.

3- عوامل محیطی- اجتماعی با سلسله‌مراتب فضایی، طراحی اقلیمی و تعاملات اجتماعی در ارتباط است. در این میان یکی از عواملی که در مقایسه ساختمان‌های جدید نسبت به ساختمان‌های قدیمی در بافت‌های مختلف شهر رشت جلب توجه می‌کند، عدم توجه به اقلیم و اصول معماری بومی در آنهاست. شاید این غفلت طراحان در ساخت بنا در بافت‌های جدیدتر را بتوان به عنوان یکی از عوامل مهم در عدم وجود هویت اصیل و همچنین عدم وجود تعلق خاطر و حس مکان در کاربران آن‌ها دانست. بنابراین طراحی ساختمان‌های جدید جهت



شکل 8- مؤلفه های هویت مکان در محله ساغری سازان رشت
Fig.8-Location identity components in Saghari sazan neighborhood

پی نوشت

Aryanpoor, Abbas. (1996). Persian to English dictionary. Tehran: Amir Kabir.

Atashinbar, Mohammad. (2009). the Continuity of Identity in Urban Landscape. Baghnazar, 6 (12), 45- 56.

Behzadfar, Mostafa; Moradi Christian, Vara; Moghadam gharviri, Maryam. (2008). An Introduction to Recognizing Urban Identity of Old Kerman Texture. Shahm-e-Maghreb two-monthly, 8 (67), 47-54.

Bemanian, Mohammadreza; Gholami Rostam, Nasim; Rahmatpanah, Janat. (2010). Identity Elements in the Traditional Iranian House of Architecture, Case Study: Rasoolian House of Yazd. Two Journal of Islamic Art Studies (13), 55-68.

Canter, David. (1977a). the Psychology of Place. London: Architectural Press.

Canter, David. (1977b). The Facets of Place, in G.T. Moore & R.W Marans (Eds), Advances in invironment, Behavior, and Design, Vol. 4: Toward the integration of Theo-ry, Methods, Research, and Utilization. NewYork: Plenum, pp. 109-147.

Carmona, Mathew, (2006), Public Place, Urban Space, Architectural Press, Elsevier, Oxford.

Changizi, Negar; Ahmadian, Reza. (2013). Investigating Urban Space Identity Indicators in

¹ Maslow

² Phenomenologically

³ Carmona

⁴ Canter

⁵ Ghasemi, Morvarid. (2011). Where are I from. Master thesis. Shahid beheshti university.

منابع

Ahmadi, Elahe. (2010). Tehran City Hall (with Sustainability Approach). Master's Degree in Architecture, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran: Faculty of Arts and Architecture.

Alexander, Christopher. (2002). Architecture and the secret of immortality. (Mehrdad ghiyomi, translator), Tehran: Shahid Beheshti University. Printing and Publishing Center.

Alexander, Christopher. (2006). Template language (Reza Karbalaei Noori, Translator) (Hamid khademi, Editor), Fifth Printing, Tehran: Center for Architectural and Urban Research.

Amid, Hasan. (1984). amid dictionary. Tehran: Amir Kabir Publishing.

Aminzade, Behnaz. (2010). Validation of beauty and identity. HoviatShahr, 5 (7), 3- 14.

Ansari, Mojtaba; Bemanian, Mohammadreza; Medghalchi, Leila. (2014). Spirit of Place in Persian Garden, 11 (28), 25- 38.



on Modern Theories in Architecture and Urbanism.

Kamyar, Sajjad. (2014). Relationship of human perceptual facets with identity elements in architecture. *Housing and village*, (146).

Karimi Azari, Amirreza; Bahaghighat Mangodehi, Hamidreza; Parvizi, Reza; Namazi jokandan, Sepide. (2015). investigating the Influence of Native Architecture Elements on Citizens' Living in Old Towns of Rasht: Sampling: Saghari sazan Neighborhood, *Urban Management*, (40), 284-269.

Lang, John. (2012). *Creation of Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in the Design of the Environment*. (Alireza Einifar, Translator) Tehran University Press, Sixth Edition.

Lynch, Kevin. (1996). *City View*. (Dr. Manouchehr Mazini, Translator). Fourth edition, Tehran: Tehran University Press.

Lynch, Kevin. (1998). *the theory of good city shape*. (Seyed Hossein Bahreini, translator). Tehran: Tehran University Press.

Mahmoudi Nezhad, Hadi; Pour Jafar, Mohammad Reza; Bemanian, Mohammad Reza; Ansari, Mojtaba; Taghvaei, Aliyakbar. (2008). *Phenomenology of the Urban Environment: A Tailor in Promoting Space to an Urban Area*. *Science and Technology Environment*, 10 (4), 282-297.

Mahmoudi nezhad, Hadi; Poormand, Hasanali; Ranjazmay azari, Mohammad. (2010). *the concept of place and imagery and its dimensions in urbanization from the point of view of Christian Schultz in the phenomenological approach*. *Two Urban Management Quarterly*, (26), 79-92.

Mansoori, Behrooz; Ilika, Shahin; Nasirsalami, Seyed mohammadreza; Saremi, Seyed Aliakbar. (2015). *Explaining the concept of housing and habitation in the phenomenological approach and the approach of cultural-paradigm*. *Urban Management Quarterly*, (39), 165-188.

Maslow, A, (1943). *Theory of human Motivation*, *Psychological Review*, 50.

Matlabi, Ghasem. (2006). *Recognition of form-to-performance ratio in architecture*. *Magazine Fine Arts*, (25), Spring 64-55.

Historical Context (Case Study: Kerman Bazaar). *Journal of Iranian Islamic city*, (11), 53-62.

Daviran, Esmail; Kariminezhad, Malihe. (2014). *Identity and sense of belonging in the new public spaces-urbanization, examples: Nahj-ol-Balagh boostan*. *HoviatShahr*, 8 (18), 81-92.

Dehkoda, Aliakbar. (1992). *dictionary*. Tehran: Tehran University.

Dehkoda, Aliakbar. (1955). *Persian dictionary*. Tehran: Printing House of the National Assembly.

Dehghan, Fateme; Noghsan Mohammadi, Mohammadreza. (2014). *Canopy in the design of leisure urban spaces in Iran, a comparative study of the dimensions and components of vitality in the streets of the uprising and the tenth of Farvardin in Yazd city*. *Journal of Iranian Islamic city*, (16), 55-69.

Ghasemi, Morvarid. (2011). *Where are I from (identity to historical textures)*. Rozane Publication, Tehran.

Ghiyomi Bidhendi, Mehrdad. (2007). *Meaning in western architecture*. Tehran: Art Academy.

Ghotbi, Aliakbar. (2008). *the concept of Iranian identity and architecture today*. *Monthly Mirror of Reverie*, (10).

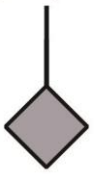
Golkar, Koorosh. (2001). *Components of urban design quality*. *Sofe Scientific-Research Journal* (32), Shahid Beheshti University Press, Tehran. 65-38.

Harrison, S, and Dourish, p. (1996). *Re-place-ing Space: The Roles of Place and Space in Collaborative Systems*. *Proc. CSCW'96*. ACM press.

Javadi, Mahsa; Budagh, Mehrnaz; Makani, Vida. (2015). *Income on the concept of the identity of the human environment by the components of space, space and body*. *Urban Management*, (41), 139-160.

JavanForoozande, Ali; Matlabi, Ghasem. (2011). *the concept of a sense of belonging to the place and its constituent factors*. *HoviatShahr*, 5 (8), 27-37.

Kakoei, Moein. (2014). *Analysis of Tehran's Valiasr Mosque with the Yohanni Plasma Phenomenology Approach*. National Conference



Raeisi, Iman; Eshghi Sanati, Hesam. (2012). the ratio of space and location in architecture, relying on the ideas of Martin Heidegger and Christine Nurburgh Schulz. Eastern Newspaper, 9 (1501), 11.

Rahmani, Mahboube. (2010). its place and concept in traditional architecture and identity in the architecture of today. Road and Building Monthly, 8 (71), 92-85.

Ralph, E, 1976, Place and Placelessness, Pion Limited, London.

Sadat habibi, Ra'na. (2008). Mental imagery and the concept of place. Fine Arts, (35), 50-39.

Sajjad zade, Hasan. (2013). the role of attachment to location in the identification of urban areas, examples: Hamedan Tomb Square. Baghnazar, 10 (25), 79-88.

Sajjad zade, Hasan; Pirbabaee, Mohammad. (2012). the process of meaning occurrence in the city atmosphere. Urmanshahr Architecture & Urban Development, No. (9), 177-186.

Schultz-Norberg, Christian. (2005). Architecture, meaning and place. (Nowruz Borazjani, translator). Tehran: Jano jahan publications.

Schultz-Norberg, Christian. (2009). Soul of the place, towards the phenomenological architecture (Mohammadreza Shirazi, Translator). Tehran: Rokhdad No publications.

Seamon. D. (1979). A Geography of the Lifeworld. St. Martinss. New York.

Sharifi, Mohammad; Ramasht, Mohammad Hoseein; Rafieyan, Mojtaba; Ghavidel, Yosef. (2013). Identity and its perception with the geosystem approach. Geography and Environmental Planning, 24 (2), Successive 50, 1-22.

Stefanovic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environment Psychology, 18, 31-44.

Taban, Mohsen; Pour Jafar, Mohammad Reza; Pourmand, Hasanali, Zabihi, Hossein, Hashemidiamane, Layla Sadat. (2011). Phenomenology of identity and place in historical textures. Journal of Iranian Islamic city, (3), 11-19.

Williams, D.R & Vaske, J.J. (2003). The measurement of Place Attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. Forest Science, 49(6): 830-840.

Mireei, Mohammad; SiyafZade, Alireza; Noode farahani, Morteza. (2013). the role of urban landscape quality in creating social life and identity of citizens, Study: Navab Highway. Iranian Islamic City Publication, (11), 29- 39.

Modiri, Atoosa. (2008). Place City Identity Quarterly, 2, 69-80.

Moein, Mohammad. (1999). Selection of a certain culture. Tehran: Rayehe Cultural Publishing Center.

Moein, Mohammad. (2005). Moein Persion Dictionary. Second edition, Tehran: Sahel Publishing.

Mortazavi, Shahnaz. (2001). Psychology of the environment and its application. Tehran: Tehran University Press.

Nasr, Tahere. Majedi, Hamid. (2013). A look at the category of identity in urban planning. Urmanshahr Architecture and Urban Planning, (11), 269- 277.

Norberg-Schultz, C, (1981). Genius Loci: Paysage, Ambiance, Architecture. Brussels; Mardaga.

Norberg-Schultz, Christian, (2002). Genius Loci: Towards a phenomenology of architecture. New York: Rizzoli.

Oskuei, Mehrdad (2014). Gilan narrates historical postcards. (Morteza Azarakhshi, translator). Rasht: Farhang Ilia Publishing.

Oxford advanced Learner dictionary, (2007). Oxford university press.

Parkinson, John. (2001). Democracy, architecture and the public space. (Sahar Ghasemian: translator). Iranian Architecture Magazine, 30-29.

Pour Jafar, Mohammad Reza; Taban, Mohsen; Pourmand, Hassan Ali. (2012). Identity and location; a phenomenological approach. City identity, 6 (10), 79-90.

Proshansky, H.M., Fabian, A.K. & Kaminioj, R. (1983). Place-identity: physical world socialization of the self. Journal of Environmental Psychology, vol3, 57-83.

Proshansky, H.M. (1978) "The city and self-identity, Environment and Behavior, (2):147-169.

Rappaport, Amos. (2005). Meaning built environment. (Farah Habib, translator). Tehran: Urban Planning and Processing Co.